



آثار حدیثی و محدثان کرمان

پدیدآورده (ها) : حجت، هادی؛ نوروزی بهجت، رضا
علوم قرآن و حدیث :: حدیث حوزه :: بهار و تابستان 1395 - شماره 12 (علمی-ترویجی)
از 32 تا 67
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1190570>

دانلود شده توسط : موسسه دارالحدیث
تاریخ دانلود : 13/02/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



آثار حدیثی و محدثان کرمان

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۳

هادی حجت *

رضا نوروزی بهجت **

چکیده

یکی از مطالعات مورد توجه محققان، تاریخ‌نگاری دانش‌های حدیثی و شرح حال محدثان و آثار آنان در مناطق مختلف جغرافیایی است. در این مقاله، محدثان کرمان و آثار حدیثی آن‌ها در دو دوره متقدم و متأخر، مورد بررسی قرار گرفته است. بیشتر محدثان کرمان در دوره متقدم و خصوصاً در قرن سوم می‌زیستند. عالمان این دوره اهتمام ویژه‌ای به حدیث داشته و برای اخذ و سماع آن، رنج سفر به شهرها و کشورهای دیگر را بر خود هموار می‌کردند. در این پژوهش به نام ۱۶۳ محدث و راوی منسوب به کرمان دست یافتیم که از این تعداد حدود ۱۰۴ نفر آنان به دوره متقدمان و ۴۷ نفر به دوره متأخران تعلق دارند و دوازده نفر آن‌ها از جمله محدثان و راویانی هستند که محدوده حیاتشان مشخص نشده است. از شهرستان‌های کرمان پس از مرکز کرمان، شهرهای سیرجان و جیرفت بیشترین محدثان را به خود اختصاص داده‌اند. آثار حدیثی محدثان کرمان در حوزه‌های مختلفی همچون کتب حدیثی، فقه الحدیث، درایة الحدیث، رجال و منبع‌شناسی کتب حدیثی تدوین یافته که در این بین، آثار فقه الحدیثی همچون شرح روایات، بیشترین آمار را به خود اختصاص می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: کرمان، محدثان کرمان، آثار حدیثی.

* دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث (hadyhojjat@yahoo.com).

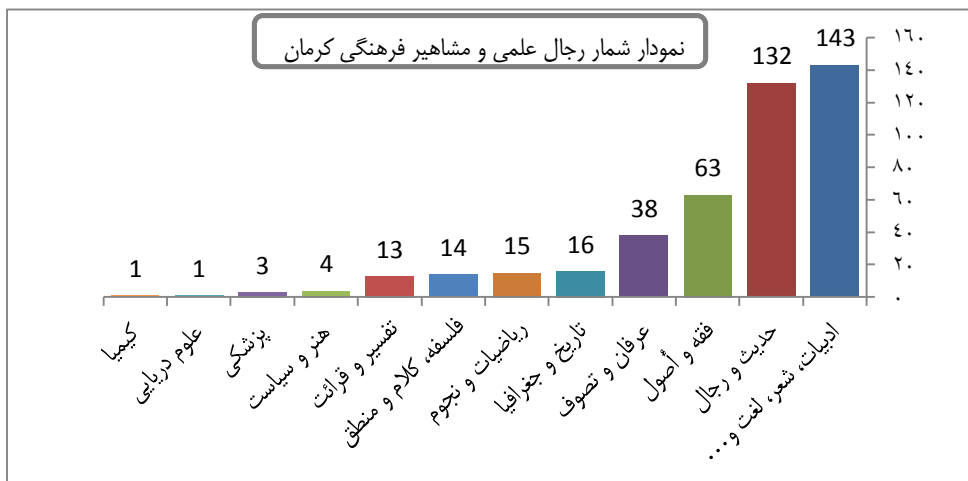
** کارشناس ارشد رشته علوم حدیث، گرایش تفسیر ائری دانشگاه قرآن و حدیث، نویسنده مسئول (bahjat1356@yahoo.com).

سیرتاریخی نگارش دانش‌های حدیثی و شرح حال محدثان و آثار آنان در مناطق مختلف جغرافیایی و شهرهای کهن ایران، از جمله حوزه‌های پژوهشی و مطالعاتی است که اخیراً مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است. یکی از این مناطق که از پیشینه حدیثی قابل توجه و در عین حال ناشناخته‌ای برخوردار بود، منطقه کرمان است. برگ‌های تاریخ این مرز و بوم، محدثان پرشماری را در خود ثبت کرده که یا تولد و بالندگی‌شان در این خطه بوده و یا با داشتن نیایی از کرمان و یا اقامتی مدید و گذران بخشی از ایام عمر خویش در این منطقه، به «کرمانی» شهره گردیده‌اند. بررسی و گلچین گزاره‌های پراکنده‌ای که در کتاب‌های رجال، طبقات، تاریخ و فهرست‌نگاری‌ها درباره آنان بر جای مانده، عمده راهی است که محققان را با پیشینه حدیث و محدثان کرمان آشنا می‌سازد، و این آن مهمی است که در این نوشتار آهنگ آن را داریم.

بی‌تردید، پیشینه نسبتاً غنی فعالیت‌های حدیثی در این استان تا کنون از دید بسیاری از حدیث‌پژوهان معاصر و آنان که به مباحث حوزه‌ها و مکاتب حدیثی علاقه‌مندند، به دور مانده است. فرهیختگان و فرهنگ‌دوستان، کرمان را بیشتر با مشاهیر ادب، شعر و سیاستش می‌شناسند؛ فرزاندگانی همچون خواجه‌ی کرمانی و میرزا رضای کرمانی. اما بر اساس آماري که دکتر گردی، کرمان‌پژوه معاصر، در کتاب ارزش‌مند خویش از آمار دوازده حوزه علمی این خطه آورده، مشهود است که حوزه حدیث و رجال با ۱۳۲ شخصیت علمی با اختلافی اندک، پس از ادبیات، شعر و نویسندگی (با ۱۴۳ تن) بیشترین شمار عالمان و مشاهیر این خطه را به خود اختصاص داده است و البته اگر بر اساس این مقاله، آمار محدثان کرمانی را فزون‌تر از ۱۶۰ نفر بدانیم، حدیث و محدثان جایگاه نخست را در این مقایسه خواهد داشت.

آمار ارائه شده در فرهنگ‌نامه رجال علمی و مشاهیر فرهنگی کرمان از این قرار است: ۱. ادبیات، شعر، لغت و نویسندگی ۱۴۳ نفر؛ ۲. حدیث و رجال ۱۳۲ نفر؛ ۳. فقه و اصول ۶۳ نفر؛ ۴. عرفان و تصوف ۳۸ نفر؛ ۵. تاریخ و جغرافیا ۱۶ نفر؛ ۶. ریاضیات و نجوم ۱۵ نفر؛ ۷. فلسفه، کلام و منطق ۱۴ نفر؛ ۸. تفسیر و قرائت ۱۳ نفر؛ ۹. هنر و سیاست ۴ نفر؛ ۱۰. پزشکی ۳ نفر؛ ۱۱. علوم دریایی ۱ نفر؛ ۱۲. کیمیا ۱ نفر.^۱

۱. فرهنگ‌نامه رجال علمی و مشاهیر فرهنگی کرمان از آغاز اسلام تا پایان عصر قاجاریه، ص ۸۶.



نمودار مزبور می‌تواند تا حدودی اهمیت و جایگاه حدیث و رجال را در میان عالمان این دیار در طول تاریخ روشن سازد.

محدوده جغرافیایی کرمان

در منابع تاریخی و جغرافیایی نام کرمان به صورت‌های جرمانیا، دارالامان، ژرمانیا، ژرمنیا، کوران، کارمانا، کارمانیا، کارمان، کارمانی، کرمانه، کرمانیه، کرمن، کریمان و کورمان آمده است.^۱ این منطقه در سده‌های نخست هجری، ولایتی مشهور و ناحیه‌ای گسترده شامل شهرها و روستاهای بزرگی بوده و بنا به گزارش حموی (م. ۶۲۶ق) محدوده وسیعی را به خود اختصاص می‌داده است که از غرب به سرزمین فارس، شرق آن به مکران^۲ و بیابانی بین مکران و دریایی بعد از بلوص^۳ و از طرف شمال به بیابان‌های خراسان و جنوب آن به دریای فارس منتهی می‌شده است.^۴ بکری (م. ۴۸۷ق) در کتاب *المسالك والممالك* خود در بیان حدود کرمان، شمال آن را به بیابان‌های خراسان و سجستان ذکر کرده است.^۵ بنابراین، کرمان قدیم تا کناره تنگه هرمز و دریای عمان امتداد داشته و قسمت عظیمی از استان هرمزگان را نیز در بر می‌گرفته است.

۱. فرهنگنامه تطبیقی نام‌های قدیم و جدید مکان‌های جغرافیای ایران و نواحی مجاور، ص ۲۴۰.
 ۲. مکران (به ضم و فتح میم) نام ایالتی است در بلوچستان در کنار دریای عمان و نام شهر این ایالت؛ لغت‌نامه دهخدا.
 ۳. واژه «بلوص» معرب بلوچ است؛ لغت‌نامه دهخدا.
 ۴. معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۵۴.
 ۵. المسالك والممالك، ج ۱، ص ۴۴۳-۴۴۴.

مقدسی (م. ۳۸۰ ق) در *احسن التقاسیم* کرمان را شامل پنج حوزه و ناحیه: بردسیر، نرماشیر، سیرجان، بم و جیرفت می‌داند؛^۱ نواحی ای که هم‌اکنون نیز جزو شهرستان‌های استان کرمان به شمار می‌آیند.

در گذر تاریخ با روی کار آمدن حکومت‌ها و تحولاتی که در تقسیمات کشوری در هر دوره رخ می‌داد، وسعت و مساحت این خطه نیز همچون سایر شهرهای ایران دچار تغییراتی شده است.

دوره‌های حدیثی کرمان

حدیث پژوهان و رجالیان کرمان را می‌توان بر اساس تقسیمی، به دو دسته «متقدمان» و «متأخران» تقسیم کرد. همان‌طور که از معنای لغوی دو اصطلاح متقدم و متأخر مشخص است، این دو اصطلاح، معنایی نسبی دارند. بنا بر تعریفی مشهور در حوزه فقه و حدیث، شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ه) حد فاصل بین قدما و متأخران است؛ پیش از ایشان قدما و پس از ایشان متأخران به حساب می‌آیند.^۲ بر این اساس، در این نوشتار تا پایان قرن پنجم هجری را دوره متقدمان و پس آن را دوره متأخران می‌نامیم.

الف. دوره متقدمان

ورود اسلام به کرمان در زمان خلیفه دوم در سال ۱۸ هجری رخ داد؛ هرچند سال‌های ۲۱ و ۲۲ هجری نیز گزارش شده است.^۳ بنا به گزارش طبری، عمر بن خطاب در سال ۱۷ هجری قمری به سپاه اسلام اجازه ورود به مناطق پارسیان را می‌دهد. به روایت احنف بن قیس، خلیفه فرماندهانی را به طرف ولایت کرمان، سیستان و مکران فرستاد؛ چنان‌که پرچم کرمان را به سهیل بن عدی، پرچم سیستان را به عاصم بن عمرو و پرچم مکران را به حکم بن عمیر تغلبی داد، اما لشکرکشی به سوی ولایت مذکور در آغاز سال ۱۸ هجری قمری رخ داد.^۴

فعالیت محدثان کرمان اعم از شیعه و سنی در دوره متقدمان در عرصه‌هایی همچون

۱. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۴۶۰.

۲. خاتمة المستدرک، ج ۱، ص ۳۰۸.

۳. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۵۴، ۵۵۳.

۴. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۹۴.

سماع و نقل حدیث، به خصوص در قرن سوم هجری با حضور بیش از ۴۵ تن به اوج خود می‌رسد. در این دوره، برخی محدثان همچون حرب بن اسماعیل کرمانی سیرجانی (م. ۲۸۰ یا ۲۸۸ق)^۱ و حامد بن عمر بکراوی / کرمانی^۲ علاوه بر فعالیت‌های حدیثی خود، از چنان جایگاه علمی برخوردار بودند که از سوی سلاطین وقت، به منصب قضاوت گماشته شدند.

آشنایی با محدثان نامی متقدم

وجود بیش از ۱۰۴ راوی در فاصله زمانی قرن‌های دوم تا پنجم هجری قمری، پیشینه‌ای غنی و درخشان را برای این استان در زمینه فعالیت‌های حدیثی رقم زده است. با توجه به تعداد فراوان فعالان حدیثی در این دوره تنها به معرفی چند تن که از شهرت بیشتری برخوردارند، بسنده کرده و اسامی بقیه را بر اساس سده‌ای که در آن می‌زیستند در پی خواهیم آورد.

۱. حسان بن ابراهیم کرمانی (م. ۱۸۲ یا ۱۸۶)

سمعانی در *الانساب ذیل واژه «کرمانی»* نام او را «أبو هشام حسان بن ابراهیم الکرمانی العنبری» ثبت کرده و وی را از علما و راویان متقدم منطقه کرمان دانسته است.^۳ برخی از او با عنوان «حسان بن ابراهیم الکرمانی العنزی» (به جای العنبری) یاد کرده‌اند.^۴ تاریخ وفات حسان بن ابراهیم را سال ۱۸۶^۵ و یا ۱۸۲^۶ هجری قمری ثبت کرده‌اند.

حسان کرمانی علاوه بر نقل روایات، قاضی کرمان نیز بود.^۷ وی از سعید بن مسروق الثوری، یونس بن یزید الایلی، عاصم الأحول^۸، لیث بن ابی سلیم و ابراهیم الصائغ^۹ سماع حدیث داشته و از آن‌ها روایت نقل کرده است.

۱. *شذرات الذهب*، ج ۲، ص ۱۷۶.

۲. *الجرح والتعديل*، ج ۳، ص ۳۰۰.

۳. *الانساب*، ج ۵، ص ۵۷. صاحب کتاب *الجواهر المضية* نیز موافق با رأی سمعانی بوده و او را از اهل کرمان دانسته است؛ ج ۱، ص ۵۵۰.

۴. *رجال صحیح مسلم*، ج ۱، ص ۱۶۷.

۵. *الوافی بالوفیات*، ج ۱۱، ص ۲۸۰.

۶. *تاریخ الاسلام*، ج ۱۲، ص ۱۱۶-۱۱۷.

۷. *الوافی بالوفیات*، ج ۱۱، ص ۲۸۰.

۸. *تاریخ الاسلام*، ج ۱۲، ص ۱۱۶-۱۱۷.

۹. *الجرح والتعديل*، ج ۳، ص ۲۳۸.

از شاگردانش که به نقل روایت از او پرداخته اند می‌توان الأزرق بن علی، علی بن المدینی، علی بن حجر، إسحاق بن شاهین، احمد بن عبده^۱، سهل بن بکار و سعید بن منصور^۲ را نام برد.

ابن حبان،^۳ احمد بن حنبل، ابن معین و ابن مدینی^۴ همگی او را ثقه دانسته و جایگاه وی را رفیع می‌دانند؛ در مقابل نسائی،^۵ ابن عدی و عقیلی^۶ او را قوی ندانسته و او را از ضعفا و کسانانی که انفراد در حدیث دارد، برشمرده‌اند.

۲. حرب بن اسماعیل کرمانی / سیرجانی (م. ۲۸۰ یا ۲۸۸ ق)

ذهبی نام او را این‌گونه ثبت کرده است: «حرب بن اسماعیل الکرمانی».^۷ ابن ابی حاتم رازی از وی با عنوان «حرب بن اسماعیل الکرمانی الحنظلی ابومحمد» یاد کرده است. از آغاز زندگی و محل تولد او اطلاع دقیقی در دست نیست؛ تنها می‌دانیم که او در سال ۲۸۰ هجری قمری درگذشته است.^۸ صاحب کتاب *هدیه العارفین* او را منسوب به سیرجان از توابع کرمان دانسته و تاریخ وفات وی را ۲۸۸ هجری قمری ذکر کرده است.^۹

وی از دوستان، شاگردان و ناقلان فقه احمد بن حنبل، پیشوای فرقه حنبلی (م. ۲۲۴ ق) بوده است.^{۱۰} ابویعلی قزوینی در کتاب *الإرشاد* خود می‌نویسد: «احمد بن حنبل در شام، تاریخ و ۱۳۰ جزء مسئله را بر حرب بن اسماعیل کرمانی املا کرده است».^{۱۱} وی به سماع حدیث از ابوالولید طیالسی، حمیدی، سعید بن منصور (م. ۲۲۷ ق)، ابوعبید و دیگران پرداخته است.^{۱۲} حرب کرمانی از حفاظ حدیث و فقهای نام‌دار و دارای هوش و ذکاوت بالا در زمانه خود بود. در آن زمان از سوی سلطان وقت به سمت

۱. تاریخ الاسلام، ج ۱۲، ص ۱۱۶، ۱۱۷.

۲. الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۲۳۸.

۳. الثقات، ج ۶، ص ۲۲۴.

۴. خلاصه عیقات الانوار، ج ۱، ص ۶۴.

۵. الضعفاء والمتروکین، ص ۱۷۰.

۶. خلاصه عیقات الانوار، ج ۱، ص ۶۴.

۷. تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۱۳.

۸. الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۳۰۰.

۹. هدیه العارفین، ج ۱، ص ۲۶۴.

۱۰. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۴۴.

۱۱. الإرشاد فی معرفة علماء الحدیث، ج ۲، ص ۵۹۷.

۱۲. تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۱۳.

قضاوت و دیگر امور مربوط در شهر خود منصوب شد.^۱

عبدالله بن إسحاق نهاوندی، قاسم بن محمد کرمانی، ابوبکر خلیل، ابوحاتم رازی (در حالی که بر کرمانی تقدم دارد) و ابوالقاسم عبدالله بن یعقوب بن إسحاق کرمانی از جمله کسانی هستند که به اخذ و نقل روایت از حرب بن اسماعیل همت گماشته‌اند.

تذکره الحفاظ به نقل روایتی در موضوع یاری کردن مظلوم از حرب بن اسماعیل کرمانی پرداخته است. این روایت را حرب کرمانی با چهار واسطه از عایشه برای شاگرد حدیثی خود عبدالله بن یعقوب بن إسحاق الکرمانی نقل کرده است.^۲

سیوطی، دانشمند شهیر اهل سنت، حرب بن اسماعیل را مردی فقیه و حافظ دانسته است.^۳ ابوزرع دمشقی درباره او می‌نویسد: «دو تن از مردان بزرگ بر ما وارد شدند که بزرگوارترین آن دو، یعقوب بن سفیان بود و اهل عراق نمی‌توانند همانند او را بیابند و دومی حرب بن اسماعیل کرمانی بود.»^۴

از آثار حرب بن اسماعیل می‌توان کتابی به نام *مسائل حرب* که از نفیس‌ترین کتب حنابله به شمار می‌رود، در دو جلد بزرگ^۵ و نیز کتاب *السنة والجماعة*^۶ را نام برد.

۳. محمد بن ولید کرمانی (قرن سوم)

وی از جمله محدثان قرن سوم هجری است که از امام جواد علیه السلام (۱۹۵-۲۲۰/۲۱۹) نقل حدیث کرده است.^۷ شیخ طوسی در کتاب *رجالش* نام او را با زیاده وصف الخزاز «محمد بن الولید الکرمانی الخزاز» آورده است.^۸ نام وی در دو روایت در جوامع حدیثی شیعه آمده است: کلینی (م. ۳۲۹ ق) در *فروع کافی* یک روایت از طریق وی از امام جواد علیه السلام نقل کرده است.^۹ شیخ صدوق نیز در کتاب *من لایحضره الفقیه* روایتی را در موضوع آداب خوردن و آشامیدن از او نقل کرده که بر ملاقات وی با امام جواد علیه السلام

۱. *شذرات الذهب*، ج ۲، ص ۱۷۶.

۲. *تذکره الحفاظ*، ج ۲، ص ۶۱۳. و نیز رک: *مدینه دمشق*، ج ۲، ص ۳۰۹.

۳. *طبقات الحفاظ*، ج ۱، ص ۲۷۴.

۴. *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۳، ص ۱۸۲.

۵. همان، ص ۲۴۵.

۶. *هدیه العارفین*، ج ۱، ص ۲۶۴.

۷. *الخرائج والجرائح*، ج ۱، ص ۳۸۸.

۸. *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۸، ص ۳۳۳.

۹. *الکافی*، ج ۶، ص ۵۱۶.

دلالت دارد.^۱

شیخ صدوق رحمته الله در مشیخه کتاب، طریق خود را به روایت وی با سه واسطه این گونه گزارش کرده است: «وما كان فيه عن محمد بن الوليد الكرمانی فقد رویته عن احمد بن زياد بن جعفر الهمدانی - رضی الله عنه - عن علی بن ابراهیم بن هاشم، عن محمد بن الوليد الكرمانی.»^۲

این عبارت نشان دهنده آن است که محدث نامی شیعه «علی بن ابراهیم بن هاشم» صاحب تفسیر قمی از شاگردان حدیثی وی بوده است.

قطب الدین راوندی (م. ۵۷۳ق) نیز در کتاب *الخرائج والجرائح*، روایتی از طریق وی از امام جواد علیه السلام روایت کرده است.^۳

برقی^۴ در کتاب رجال خود وی را از اصحاب امام جواد علیه السلام شمرده است.^۵ صاحب کتاب *المفید من معجم الرجال الحدیث* وی را مجهول دانسته است.^۶ شوشتری رحمته الله در قاموس *الرجال* به استناد روایتی که در کتاب *الخرائج والجرائح* از کرمانی نقل شده، وی را فردی معرفی کرده که در اعتقاداتش شک داشته و خداوند به برکت امام جواد علیه السلام آن شک را برطرف کرده و به اعتقاداتش یقین پیدا کرده است.^۷

۴. یحیی بن ابی بکیر کرمانی (م. ۲۰۸ یا ۲۰۹ق)

کنیه، نام و نسب او را «ابوزکریا یحیی بن ابی بکیر بن اسید عبدی قیسی کوفی کرمانی» ضبط کرده اند. «أبو بکیر» کنیه پدر اوست. در این که نام پدر او چیست، اختلاف است. برخی نام پدر او را «نسر»، برخی «بشر» و برخی «بشیر» نگاشته اند.^۸

صاحب کتاب *الجواهر المضية* او را از مردم کرمان دانسته است؛^۹ این در حالی است که از گفته برخی منابع چنین برمی آید که دلیل انتساب او به کرمان و شهرتش به این نسبت

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۶.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۲۴.

۳. *الخرائج والجرائح*، ج ۱، ص ۳۸۸.

۴. *رجال البرقی*، ص ۵۷.

۵. *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۸، ص ۳۳۳.

۶. *المفید من معجم الرجال الحدیث*، ص ۵۸۶.

۷. *قاموس الرجال*، ج ۹، ص ۶۳۲.

۸. *سیر اعلام النبلاء*، ج ۹، ص ۴۹۷-۴۹۸.

۹. *الجواهر المضية*، ج ۱، ص ۵۵۰.

آن است که وی مدتی قاضی کرمان بوده است.^۱ ابن منجویه تصریح کرده است که وی عبدی و از قبیلۀ بنی عبدالقیس، به عنوان قاضی در شهر کرمان بوده است.^۲ ذهبی بدون بدون اشاره به تاریخ ولادتش، سال وفات او را ۲۰۸ هجری قمری ذکر کرده است^۳ و خطیب بغدادی سال ۲۰۹.^۴

یحیی بن ابی بکیر در طول حیات علمی خود، از محضر استادان برجسته ای چون شعبه، زائده، ابراهیم بن طهمان، ابی جعفر رازی، اسرائیل و زهیر بهره برده و در بغداد به نقل حدیث از آن‌ها پرداخته است.^۵ و شماری از محدثان همچون محمد بن سعید الأصبهانی، عبدالله بن محمد بن یحیی بن ابی بکیر، عیسی بن ابی حرب الصفار، علی بن سهل البزاز، عباس دوری، محمد بن سعد عوفی، حارث بن ابی أسامة التمیمی و احمد بن عبدالله نرسی از او به نقل روایت پرداخته‌اند.^۶

یحیی بن معین، احمد عجلی^۷ و عبدالرحمن از جمله رجال شناسانی هستند که یحیی بن ابی بکیر را ثقه دانسته‌اند. حرب بن اسماعیل می نویسد: «از احمد بن حنبل شنیدم که یحیی بن ابی بکیر را می ستود و می گفت او چقدر باهوش بوده است».^۸

طبق گزارش ذهبی، وی با چهار واسطه از پیامبر ﷺ نقل می کند که حضرت فرمود: «لا ترجعوا بعدی کفاراً، یضرب بعضکم رقاب بعض»^۹؛ هرگز پس از من به کفر بازنگردید تا گردن یک دیگر را بزنید.

۵. احمد بن علویه ابوالأسود / ابن الأسود کرمانی (۲۱۲ - بعد از ۳۲۰ ق)

کتاب *اعیان الشیعه* نام او را «احمد بن علویه الاصبهانی الکرمانی المعروف بأبی الأسود أو بابن الأسود الکاتب» ثبت کرده است و وفات وی را بعد از سال ۳۲۰ هجری قمری

۱. الکنی والأسماء، ج ۱، ص ۳۳۵؛ و نیز رک: المقتنی فی سرد الکنی، ج ۱، ص ۲۴۷.
۲. رجال صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳۴.
۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۴۹۷-۴۹۸.
۴. تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۱۶۰.
۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۴۹۷-۴۹۸.
۶. تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۱۶۰.
۷. سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۴۹۷-۴۹۸.
۸. الجرح والتعديل، ج ۹، ص ۱۳۲.
۹. سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۴۹۸.

دانسته و می‌نویسد: «وی در سال ۳۱۲ قمری بیش از صد سال داشته است.»^۱
 یاقوت حموی او را منتسب به کرمان دانسته و شهرت او را در زمینه لغت و ادب عربی یاد آور شده است. احمد بن علویه از جمله شاعران ایرانی تباری است که به نیکویی شعر عربی را سروده است. وی در آغاز از اصحاب و شاگردان ابولغذة بود و در صناعت و هنر تأدیب گام برمی‌داشت. آن‌گاه این رشته را رها کرده و در زمره ندیمان احمد بن عبد العزیز و دلف بن ابی دلف عجلی قرار گرفت.^۲

ابوالأسود فردی لغوی، ادیب، نویسنده، شاعر، راوی حدیث و دارای عمر طولانی بود و از راویانی است که از ائمه علیهم‌السلام روایت نقل نکرده‌اند.^۳
 از جمله آثار او عبارتند از: کتاب *الاعتقاد فی الادعیه*، هشت کتاب دیگر در زمینه دعا که به انشای خود ایشان بوده و کتابی به نام *الألفیة والمحبرة* شامل ۱۸۳ بیت شعر در مدح امیرالمؤمنین علیه‌السلام.^۴ صاحب *الذریعه* از این اثر با عنوان «قصیده الکرمانی الاصفهانی» نیز یاد کرده و علاوه بر کتاب *الاعتقاد* اثری به نام *الرسائل المختاره* را از وی می‌داند.^۵

شاکری، دوران حیات وی را ۲۱۲ تا ۳۲۲ قمری یاد کرده و علاوه بر کتاب *الاعتقاد فی الادعیه*، کتاب *دعاء الاعتقاد* را برای او نام برده است و درباره او می‌نویسد: روایات او در کتاب‌هایی همچون *من لایحضره الفقیه*، *التهذیب*، *الکامل*، *أمالی صدوق* و *مجالس مفید* پراکنده است. او سپس اشعاری از وی در مدح امیرالمؤمنین علیه‌السلام را نقل می‌کند.^۶

۶. علی بن احمد جیرفتی (قرن چهارم قمری)

کنیه وی «ابوالحسین» و از محدثان قرن چهارم، از شهر جیرفت از توابع کرمان است.^۷

۱. *أعیان الشیعه*، ج ۳، ص ۲۲.

۲. *معجم الأدباء*، ج ۱، ص ۵۲۹.

۳. *أعیان الشیعه*، ج ۳، ص ۲۲.

۴. *الکنی واللقاب*، ج ۱، ص ۲۳۱.

۵. *الذریعه*، ج ۱۷، ص ۱۲۷.

۶. *علی فی الکتاب والسنة والأدب*، ج ۴، ص ۷۶. مثلاً در کتاب *أمالی* شیخ صدوق (ص ۶۹۲) با عنوان «أحمد بن علویه الاصبهانی»، در صفحه ۵۶۴ با عنوان «أحمد بن علویه» و در *علل الشرایع* (ج ۲۰، ص ۱۷۹) با عنوان «أحمد بن علویه الاصبهانی» از او روایت نقل شده است. در کتاب *کافی* (ج ۷، ص ۴۰۱) تعبیر «أحمد بن علی الکاتب» آمده که علامه مجلسی معتقد است ظاهراً مراد همان «أحمد بن علویه الکاتب» است. در *تهذیب الأحکام* (ج ۳، ص ۸۶) نیز در سندی نام وی با عنوان «أبو جعفر أحمد بن علویه» آمده است.

۷. *نقش ایرانیان در تدوین و نشر حدیث*، ص ۴۳۲.

برای او لقب «نَسَابَة»^۱ را ذکر کرده‌اند^۲ که نشان می‌دهد وی علاوه بر دانش حدیث، به علم نسب‌شناسی هم مسلط بوده است.

نام جدّ او به صورت‌های مختلفی همچون حراتجت^۳، ضرابخت^۴ و حرابخت ضبط شده است. مصحح کتاب التوحید شیخ صدوق در توضیح کلمه «حرابخت» می‌نویسد: «به گمان من، خدابخت صحیح است و این واژه عجمی، که از خدا به معنای ملک و بخت به معنای بهره ترکیب یافته و خدابخت به معنای خوش بخت است.»^۵

علی بن احمد بن حرابخت از شاگردان حدیثی احمد بن سلمان بن الحسن و از مشایخ شیخ صدوق به شمار می‌رود.^۶

شیخ صدوق (م. ۳۸۱ق) در کتاب التوحید با عبارت: «حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَرَابِخْتِ الْجَيْرُفِيِّ النَّسَابَةِ» روایتی را مستقیماً از علی بن احمد در موضوع نماز شب گزارش کرده که در آن، وی با پنج واسطه روایتی را از سلمان فارسی نقل کرده است.^۷

۷. محمد بن بحر زهنی نرماشیری (م. پیش از ۲۳۰ق)

الذریعه نام او را این گونه ثبت کرده است: «أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ بَحْرِ بْنِ سَهْلِ الرَّهْنِيِّ التِّرْمَاشِيزِيِّ الْكِرْمَانِيِّ الشَّيْبَانِيِّ.»^۸ ابن غضائری با عناوین: «محمد بن بحر الزهنی»، «الشیبانی»، «أبو الحسن» و «النرماشیری» از او یاد کرده است.^۹ برخی کنیه وی را «أبو الحسن» ذکر کرده‌اند.^{۱۱}

وی از محدثان امامی قرن چهارم هجری و ساکن نرماشیر از توابع کرمان است^{۱۲}، که

۱. «رجل نسابة، أي عليّ بالانساب»؛ الصحاح، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲. التوحید، ص ۹۶.

۳. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴، ص ۱۸۵.

۴. طرائف المقال، ج ۱، ص ۱۷۵.

۵. التوحید، ص ۹۶.

۶. التوحید، ص ۹۶ و نیز: معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۲۷۳.

۷. همان، ص ۹۶.

۸. ترماشیزی «ظاهراً معرب نرماشیر» از توابع کرمان است.

۹. الذریعه، ج ۸، ص ۲۳۸.

۱۰. رجال ابن غضائری، ص ۹۸.

۱۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۸۱.

۱۲. رجال النجاشی، ص ۳۸۴.

یکی از شهرهای گردشگری آباد، دارای نعمت‌های بسیار و محل تجمع تجار در آن زمان بوده است.^۱ شیخ طوسی و ابن شهرآشوب او را «سجستانی» معرفی کرده‌اند.^۲ نسبت «رهنی» که به وی داده شده، در لابه‌لای متون رجالی و حدیثی گوناگون ضبط شده است؛ برای مثال، آیه‌الله خوئی رحمته‌الله در یک جا نسبت رهنی و دهنی^۳ و در جای دیگر نسبت رهبی^۴، اردبیلی در جامع الرواة نسبت راهبی و رهنی^۵ و علامه مجلسی نسبت دهنی^۶ را برای او ذکر کرده‌اند. «رهنی» منسوب به «رهنه» یکی از روستاهای کرمان است.^۷

در منابع رجالی و تراجم اطلاعاتی درباره تاریخ ولادت و زندگی وی در دست نیست؛ برخی فقط تاریخ وفات او را پیش از سال ۳۳۰ قمری ذکر کرده‌اند.^۸ أبوعمر و محمد بن عمر بن عبد‌العزیز کشی^۹، بشر بن سلیمان نخاس (پدر او از موالیان امام هادی علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام بوده)^{۱۰}، احمد بن مسرور^{۱۱} و احمد بن حارث^{۱۲}، از جمله محدثانی هستند که از محمد بن بحر حدیث نقل کرده‌اند.

شیخ طوسی او را متکلم، عالم به اخبار و فقیه معرفی کرده و مدعی است او نزدیک به پانصد مصنف و رساله داشته است.^{۱۳} یاقوت حموی علاوه بر این که او را معروف به فضل و فقه دانسته، به نقل از استاد خود رشیدالدین می‌نویسد: «رهنی، تیزهوش و خوش حافظه بود، به گونه‌ای که هشت هزار حدیث را از برداشته؛ و به دنبال احادیث غریب می‌گشت و می‌دانست که در احادیث غریب، دروغ است. وی انساب و اخبار

۱. حدود العالم من المشرق الی مغرب، ص ۱۴۳.

۲. الفهرست، ص ۲۰۸؛ معالم العلماء، ص ۱۳۱.

۳. معجم الرجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۱۳۱.

۴. همان، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

۵. جامع الرواة، ج ۲، ص ۱.

۶. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۳۰۸.

۷. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۰۸.

۸. لسان المیزان، ج ۵، ص ۸۹.

۹. رجال کشی، ص ۱۴۸.

۱۰. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶.

۱۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۳۷.

۱۲. همان، ج ۲۷، ص ۲۷۵.

۱۳. الفهرست، ص ۲۰۸.

مردم را می دانست.»^۱

نجاشی برای رهنی این کتاب ها را نام می برد: کتاب البدع، کتاب البقاع، کتاب التقوی، کتاب الاتباع و ترک المرء فی القرآن، کتاب البرهان^۲، کتاب الأول والعشرة، کتاب المتعة و کتاب القلائد القلائد که در آن مسائل اختلافی بین شیعه و مخالفان را آورده بود.^۳ شیخ طوسی کتاب الفرق بین الآل والامة را نیز به او نسبت داده و می نویسد: «بیشتر کتاب های او در بلاد خراسان موجود است.»^۴ ابن شهر آشوب که از وی با عنوان «ابوالحسین محمد بن بحر رهنی سجستانی» یاد کرده است، برای وی آثار دیگری را نیز نام برده است؛ مانند: الطلاق، المبسوط فی الصلاة، التکلیف و التوصیف، اثبات الإمامة، الرد علی من أنکر الاثنی عشر و معجزاتهم، کتاب الحجة فی ابطاء القائم^{علیه السلام}، مجلس الرهنی، المساواة و المقابله، التلخیص و التلخیص فی التفسیر، المثل و السیر و الخراج، القواعد، مرج البهاء و روض الضیاء المناسک.^۵ علی بن احمد ابوالقاسم کوفی، کتابی به نام الرد علی محمد بن بحر الرهنی داشته است.^۶

از عناوین آثار رهنی استفاده می شود که وی علاوه بر فقه و کلام در مباحث قرآنی نیز تبحر داشته، و برخی از او به عنوان یکی از اعظام علمای امامیه در بیان اختلاف مصاحف یاد کرده اند. سید بن طاووس (م. ۶۶۴ق) در کتاب سعد السعود نیز روایتی را از محمد بن بحر رهنی درباره مصاحف هفت گانه ای که در زمان عثمان نگارش یافته، نقل کرده است.^۷ هم چنین روایات متعددی را از جزء اول مقدمات علم القرآن، تصنیف محمد بن بحر رهنی نقل کرده است^۸ که نشان می دهد این مجموعه در اختیار سید بن طاووس بوده است.

ابن غضائری در رجال خود، نام او را آورده و درباره رهنی می نویسد: «او ضعیف و در مذهبش از تفاع است»^۹؛ تعبیری که حاکی از غلو در اعتقاد اوست. شیخ طوسی نیز او را

۱. معجم الأدباء، ج ۱۸، ص ۳۱.

۲. ابن شهر آشوب با عنوان «البرهان السدید من عون المدید» از این کتاب یاد کرده است؛ معالم العلماء، ص ۱۳۱.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۸۴.

۴. الفهرست، ص ۲۰۸.

۵. معالم العلماء، ص ۱۳۱.

۶. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۶۴.

۷. تفسیر الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۸۹.

۸. سعد السعود، ص ۲۲۷.

۹. رجال ابن غضائری، ج ۱، ص ۹۹.

متهم به غلو توصیف کرده است.^۱ نجاشی در این باره می‌گوید: «بعض اصحاب ما گفته‌اند که در مذهب او ارتفاع است، اما حدیث او به سلامت نزدیک است و من نمی‌دانم این سخن را از کجا آورده‌اند [و چرا چنین نسبتی به او داده‌اند].»^۲ علامه حلی پس از نقل سخن نجاشی می‌گوید: «آنچه به نظرم می‌رسد آن است که باید در حدیثش توقف کرد.»^۳

فهرست محدثان متقدم کرمان

با بررسی گسترده منابع متعدد حدیثی، رجالی، تراجم، تاریخ و... تا پایان قرن پنجم هجری، جمعاً نام ۱۰۴ محدث منسوب به کرمان و نواحی آن شناسایی و در این بخش اسامی هر قرن به ترتیب الفبا تنظیم شده است. یادآور می‌شود که این فهرست و نیز فهرست محدثان متأخر که متعاقباً خواهد آمد، صرفاً شامل محدثانی است که دوره حیات آنان به طور دقیق و یا تقریبی با استفاده از قرائنی همچون طبقه‌اساتید و شاگردانشان مشخص شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، اولین محدثان متعلق به قرن دوم هجری و بیشترین تعداد با ۴۵ نفر به قرن سوم هجری و کمترین به قرن پنجم با شانزده محدث، تعلق دارد.

قرن دوم: ۱. ابوالحارث کرمانی؛ ۲. احمد بن ضوء کرمانی؛ ۳. احمد بن عثمان کرمانی؛ ۴. حسن بن مهران کرمانی؛ ۵. بشر بن علی کرمانی؛ ۶. حازم کرمانی؛ ۷. حسان بن ابراهیم کرمانی؛ ۸. حیان کرمانی؛ ۹. داود ابوبحر کرمانی؛ ۱۰. سلیم بن محمد کرمانی؛ ۱۱. صالح بن عبدالله کرمانی؛ ۱۲. عبدالرحمان بن ابراهیم قاص کرمانی؛ ۱۳. کرمانی بن عمرو؛ ۱۴. محمد بن خلید کرمانی؛ ۱۵. محمد خلف کرمانی؛ ۱۶. محمد بن زکریا کرمانی؛ ۱۷. محمد بن سلیمان کرمانی؛ ۱۸. محمد بن منصور کرمانی؛ ۱۹. محمد بن نصر بن سعید کرمانی؛ ۲۰. هومزدان جیرفتی؛ ۲۱. یعقوب بن عبدالله کرمانی؛ ۲۲. یوسف بن ابراهیم کرمانی.

قرن سوم: ۲۳. ابراهیم بن عباد کرمانی؛ ۲۴. ابراهیم بن رستم کرمانی؛ ۲۵. ابواسحاق کرمانی؛ ۲۶. ابن ابی علی کرمانی؛ ۲۷. ابو حفص کرمانی؛ ۲۸. ابو عبدالرحمان کرمانی؛

۱/الفهرست، ص ۳۹۰.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۸۴ و نیز رک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۱۳۱.

۳. خلاصة الاقوال، ج ۱، ص ۳۹۶.

۲۹. أبوعلی حسن بن یحیی کرمانی؛ ۳۰. احمد بن ابراهیم کرمانی؛ ۳۱. احمد بن خالد کرمانی؛ ۳۲. احمد بن خلید کرمانی؛ ۳۳. احمد بن لیث کرمانی؛ ۳۴. احمد بن یزید کرمانی؛ ۳۵. إسماعیل بن مغراء کرمانی؛ ۳۶. بشر بن عبدالوهاب کرمانی؛ ۳۷. حاتم بن ولید کرمانی؛ ۳۸. حامد بن عمر بکراوی / کرمانی؛ ۳۹. حرب بن إسماعیل کرمانی / سیرجانی؛ ۴۰. حسن بن احمد بن حبیب کرمانی؛ ۴۱. حسن بن جعفر کرمانی؛ ۴۲. حسن بن علی بن فرات کرمانی؛ ۴۳. عبدالله بن یعقوب بن اسحاق کرمانی؛ ۴۴. عبدالله بن عبدالغفار کرمانی؛ ۴۵. عبدالله بن محمد کرمانی؛ ۴۶. عبدالله بن محمد بن یحیی بن ابی بکیر کرمانی؛ ۴۷. عبدالواحد بن محمد کرمانی؛ ۴۸. عبید بن هاشم کرمانی؛ ۴۹. عمر بن حمدون کرمانی؛ ۵۰. محمد بن ابی یعقوب کرمانی؛ ۵۱. محمد بن جمعة کرمانی؛ ۵۲. محمد بن حمدون کرمانی؛ ۵۳. محمد بن خالد کرمانی؛ ۵۴. محمد بن داود کرمانی؛ ۵۵. محمد بن صباح کرمانی؛ ۵۶. محمد بن عکاشه کرمانی؛ ۵۷. محمد بن فرج زُحجی کرمانی؛ ۵۸. محمد بن فضل کرمانی؛ ۵۹. محمد بن ولید کرمانی؛ ۶۰. معاویة بن حماد کرمانی؛ ۶۱. معاویة بن عمرو کرمانی؛ ۶۲. مفضل کرمانی؛ ۶۳. مکی بن عبدان کرمانی؛ ۶۴. مؤمل بن إهاب کرمانی؛ ۶۵. یحیی بن ابی بکیر کرمانی؛ ۶۶. یحیی بن ابی کثیر کرمانی؛ ۶۷. یعقوب بن یوسف کرمانی.

قرن چهارم: ۶۸. ابراهیم بن حماد کرمانی؛ ۶۹. ابراهیم بن عمران کرمانی؛ ۷۰. این خَرشید قوله کرمانی؛ ۷۱. احمد بن علویه أبوالأسود / ابن الأسود کرمانی؛ ۷۲. أبو جعفر کرمانی؛ ۷۳. أبوالخیر کرمانی؛ ۷۴. أبو محمد قبانی کرمانی؛ ۷۵. أبو محمد کرمانی؛ ۷۶. إسماعیل بن محمد جیرفتی؛ ۷. بکر کرمانی؛ ۷۸. حسن بن عباس کرمانی؛ ۷۹. حسن بن یحیی کرمانی؛ ۸۰. حسن کرمانی؛ ۸۱. حسین بن حسن کرمانی؛ ۸۲. علی بن احمد جیرفتی؛ ۸۳. علی بن حسنویه کرمانی؛ ۸۴. محمد بن بحر زهنی نرماشیری؛ ۸۵. محمد بن یوسف کرمانی؛ ۸۶. محمد بن عمار شاماتی سیرجانی؛ ۸۷. نوفلی کرمانی؛ ۸۸. یحیی بن زکریا نرماشیری.

قرن پنجم: ۸۹. ابن ادریس کرمانی / أبو منصور کرمانی. ۹۰. ابن مطلب کرمانی / أبو سعد کاتب کرمانی؛ ۹۱. أبو بکر سمندی کرمانی؛ ۹۲. أبوعلی حسن بن محمد کرمانی؛ ۹۳. أبوعلی کرمانی، حسن بن محمد سیرجانی؛ ۹۴. أبوغالب کرمانی؛ ۹۵. احمد بن عمر جیرفتی؛ ۹۶. احمد بن محمد سیرجانی؛ ۹۷. حسن بن صوفی سیرجانی؛ ۹۸. حسین

بن یحیی کرمانی؛ ۹۹. طلحة بن عبیدالله جیرفتی؛ ۱۰۰. عبدالله بن احمد کرمانی؛ ۱۰۱. علی بن حسن کرمانی؛ ۱۰۲. محمد بن ابراهیم سیرجانی؛ ۱۰۳. محمد بن حسین سیرجانی؛ ۱۰۴. محمد بن یحیی کرمانی.

ب. دوره متأخران

در این دوره، محدثان و راویان منسوب به کرمان از سده‌های ششم تا پایان قرن چهاردهم هجری قمری معرفی شده‌اند. با بررسی انجام گرفته مشخص شد که حدوداً ۴۷ نفر از محدثان کرمانی در این دوره زمانی می‌زیستند. مقایسه آمار ۴۷ نفر در بازه زمانی این نُه قرن با حضور بیش از ۱۰۴ نفر در چهار قرن پیشین (قرن‌های دوم تا پنجم)، از حضور بسیار کم رنگ تر محدثان این خطه در دوره متأخران حکایت دارد. هم‌چنین در حالی که قرن ششم با حدود ۲۵ نفر بیشترین شمار محدثان متأخر را در خود جای داده است، در قرن‌های دهم و یازدهم هیچ محدثی که منسوب به این منطقه باشد، یافت نشد. با وجود کاهش نسبی محدثان کرمانی در دوره متأخر، حضور محدثان امامی همچون ابومحمد بن علی کرمانی (م. ۸۹۰ ق)، محدث و عارف امامی، حسین بن مؤمن یزدی کرمانی (قرن دوازدهم) و سید عالم کرمانی (زنده در ۱۱۰۲ ق) در این دوره به نسبت بیش از دوره متقدمان است.

آشنایی با محدثان نامی متأخر

۱. ابوالفضل کرمانی (۴۵۷-۵۴۲ ق)

«رکن‌الدین ابوالفضل عبد الرحمن بن محمد بن امیرویه بن محمد کرمانی» در سال ۴۵۷ هجری قمری در کرمان به دنیا آمد. وی به سماع حدیث از پدر خود و ابوالفتح عبدالله بن اردشیر هشامی پرداخت.^۱ در همان زمان بود که علاوه بر سماع حدیث، به مذهب حنفی علاقه پیدا کرد و برای یادگیری آن نزد عمر الخَلنجی، رنج سفر به بلخ را بر خود هموار نمود. کرمانی برای یادگیری هرچه بیشتر دانش فقه، به دیار مرو سفر کرد و در آن جا پای درس قاضی محمد بن الحسین ارسابندی حاضر گشته و بهره‌وفای و کامل برد.^۲ حاصل تلاش و کوشش او در زمینه فراگیری دانش آن شد که وی پس از مراجعت از

^۱ سیر اعلام النبلاء، ج ۲۰، ص ۲۰۶.

^۲ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۶، ص ۱۴۱.

سفر به عنوان شیخ و مفتی اهل سنت در خراسان به فعالیت علمی خویش ادامه داد. طلاب زیادی گرداگرد او حلقه زده و از محضرش دانش آموختند و نزد عام و خاص، جایگاه بالایی پیدا کرد.^۱ زرکلی می نویسد: «وی فقیه حنفی است که ریاست مذهب [حنفی] در خراسان به وی منتهی شد.»^۲

از شاگردان سماع او می توان ابوسعید سمعانی را نام برد.^۳ وی دارای تألیفاتی چون: شرح الجامع الکبیر للشیبانی، الايضاح، التجريد (جملگی در فروع فقه حنفی)، ایشارات الاسرار و الفتاوی است.^۴ حاجی خلیفه کتاب الحیض را نیز به او نسبت داده است.^۵ گفتنی است، وی در شب دهم ذی القعدة سال ۵۴۳ هجری قمری در مرو درگذشت.^۶

۲. محمد بن یوسف کرمانی (۷۱۷-۷۸۶ق)

زرکلی نام کاملش را «محمد بن یوسف بن علی بن سعید، شمس الدین الکرمانی» بیان و او را عالم به حدیث معرفی کرده است.^۷ کرمانی در اجازه ای که برای شهید اول جمال الدین مکی (م. ۷۸۶ق) نوشته، خود را این گونه معرفی کرده است: «محمد بن یوسف بن علی بن محمد بن سعید بن محمد القرشی أصلاً، الشافعی مذهباً، الکرمانی مولداً، الملقَّب بشمس الائمة.»^۸ وی از محدثان قرن هشتم بود.^۹

محمد بن یوسف در جمادی الثانی سال ۷۱۷ قمری در کرمان به دنیا آمد. در آن زمان برای یادگیری دانش حدیث در جلسه درس پدر و دیگر اساتید کرمان حاضر گشت و به اخذ حدیث از آنان همت گمارد. برای فراگیری دانش حدیث (اخذ، قرائت و سماع حدیث) علاوه بر کرمان به شهرهای مکه، مصر، شام و عراق رهسپار گردید.^{۱۰} زرکلی او را اصالتاً کرمانی می داند که در بغداد به شهرت رسید و مدتی نیز در مکه

۱. تاریخ الاسلام، ج ۳۷، ص ۱۵۰.

۲. الأعلام، ج ۳، ص ۳۲۷.

۳. تاریخ الاسلام، ج ۳۷، ص ۱۵۰.

۴. معجم المؤلفین، ج ۵، ص ۱۷۲.

۵. كشف الظنون، ج ۲، ص ۱۴۱۴.

۶. تاج التراجم فی طبقات الحنفیه، ج ۱، ص ۱۱.

۷. الأعلام، ج ۷، ص ۱۵۳.

۸. بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۸۴.

۹. نقش ایرانیان در تدوین و نشر حدیث، ص ۴۳۲.

۱۰. طبقات الشافعیه، ص ۱۸۰، رقم ۷۰.

اقامت کرد.^۱

وی بخش عمده‌ای از عمر خود را در بغداد به فراگیری دانش حدیث و نوشتن کتاب‌هایی در موضوعات مختلف همچون علوم عربی، کلام و منطق سپری کرد و در این شهر به نشر علوم همت گماشت. مدت سکونت وی در بغداد را سی سال ذکر کرده‌اند.^۲

کرمانی از مشایخ اجازه‌اهل سنت شهید اول به شمار می‌رود و در اجازه‌ای که در سال ۷۵۸ قمری در منزل خود در بغداد برای شهید اول (م. ۷۸۶ ق) نوشته است، نقل تمام مرویات خود، از جمله سه کتاب عبدالرحمن بن زین‌الدین عبدالغفار الإیجی (با عنوان *الموافق السلطانیة و الفوائد الغیائیة و شرح مختصر المتهی*) را به شهید اول اجازه داده و در این اجازه تصریح کرده است که وی علوم نقلی را از پدرش بهاء‌الدین یوسف و علوم عقلی را از صاحب کتب سه‌گانه مزبور و علم حدیث را از مشایخ مصر و شام آموخته است.^۳ از جمله کتاب‌های مهم وی که از افتخارات او به حساب می‌آید، شرحی بر کتاب *صحیح بخاری* (که از نام‌آورترین شرح‌ها بر صحیح بخاری) است به نام *الکواکب الدراری فی شرح صحیح البخاری*.^۴ ابن شهبه ضمن این که آن را شرح خوبی دانسته، ایراداتی همچون اشتباهات فاحش و تکرارهای زیاد، به خصوص درباره ضبط راوی بر آن وارد کرده است.^۵

شیخ طوسی او را از اصحاب و شاگردان حدیثی ابوالنضر محمد بن مسعود عیاشی و از جمله راویانی که از ائمه علیهم‌السلام روایت نقل نکرده‌اند، نام برده است.^۶ شیخ عباس قمی نیز او را به توصیفاتی چون «عالم»، «مفسر» و «محدث» ستوده است.^۷ سال وفات او طبق نقل کتاب *الأعلام* سال ۷۸۶ قمری است که در راه بازگشت حج، از دنیا رفت و جسدش به بغداد منتقل و در آن جا به خاک سپرده شد.^۸

۱. *الأعلام*، ج ۷، ص ۱۵۳.

۲. *طبقات الشافعیة*، ص ۱۸۰، رقم ۷۰.

۳. *بحار الأنوار*، ج ۱۰۴، ص ۱۸۴.

۴. *الأعلام*، ج ۷، ص ۱۵۳.

۵. *طبقات الشافعیة*، ج ۳، ص ۱۸۰، رقم ۷۰.

۶. *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۹، ص ۷۳.

۷. *الکنی والألقاب*، ج ۳، ص ۱۱۲.

۸. *الأعلام*، ج ۷، ص ۱۵۳.

از جمله تألیف های او علاوه بر شرح بخاری (الکواکب الدراری) در چهار جلد، این آثار را ذکر کرده اند: شرحی بر مختصر ابن حاجب به نام السبعة السیارة (شامل هفت شرح)، ضمائم القرآن، النمود و الردود فی الاصول، أنموذج الکشاف (حاشیه ای بر تفسیر بیضاوی تا سوره یوسف)، التحقیق فی شرح الفوائد الغیائیة (در علم معانی و بیان)، ذیل مسالک الأبصار (در علم تاریخ)، رساله فی مسألة الکحل، شرح أخلاق عضدین، شرح الجواهر و شرح المواقف (در علم کلام).^۱

۳. ابن کرمانی یحیی بن محمد (۷۶۲-۸۲۳ق)

وی شافعی مذهب و فرزند شمس الدین محمد بن یوسف کرمانی (م. ۷۸۶ق)، شارح صحیح بخاری است که شرح حالش گذشت. اسماعیل باشا نام او را این گونه گزارش کرده است: «تقی الدین یحیی بن شمس الدین محمد بن یوسف بن علی البغدادی السعیدی الشافعی المعروف به ابن کرمانی المتوفی بمصر سنة ۸۳۳ هجری قمری». ^۲ زرکلی نام او را این گونه ضبط کرده است: «یحیی بن محمد بن یوسف السعیدی، تقی الدین بن کرمانی». وی در سال ۷۶۲ قمری به دنیا آمد. ^۳ زرکلی او را کرمانی الاصل، تولد یافته بغداد معرفی و نسبت او را به سعید بن زید، یکی از صحابه ده گانه ذکر کرده ^۴ و او را پژوهش گرو عالم به طب و حدیث معرفی کرده است. ^۵

وی حفظ قرآن کریم و کتاب های الشاطیبة، الکافیة و الشافیة را نزد جلال اسعد بن محمد بن محمود حنفی، یکی از شاگردان پدرش، ادبیات و علوم عقلی را نزد علاء بن بیهی و طب را نزد شمس محمد محولی و ضیاء طبیب یاد گرفت. ابن کرمانی در مکه به سماع حدیث از جمال محمد بن احمد بن عبدالله بن عبد معطی، مجد اللغوی و نور خراسانی و در بغداد از نور علی بن یوسف بن حسن زرنندی همت گمارد. ^۶

از آثار اوست: ۱. کتابی درباره طب که احتمالاً همان المختصر من خواص ابی العلاء ابن زهر

۱. هدیه العارفین، ج ۲، ص ۱۷۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۲۷.

۳. الأعلام، ج ۸، ص ۱۶۶.

۴. همان، ص ۱۶۷.

۵. همان، ص ۱۶۶.

۶. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، ج ۱۰، ص ۲۵۹، ۲۶۰.

است؛^۱ ۲. مختصر صحیح مسلم درباره حدیث؛ ۳. مختصر تاریخ مکه از ازرقی؛^۲ ۴. مجمع البحرین و جواهر الحبرین در شرح صحیح بخاری در هشت جلد بزرگ؛ ۵. شرح الجامع الصحیح از مسلم؛ ۶. المختصر فی أخبار مصر؛ ۷. المقصود من تحفة المودود، از ابن قییم جوزیه؛^۳ ۸. مختصر الروض، از ابن المقرئ در فروع فقه شافعی.^۴

وفات او را پنج شنبه، ماه جمادی الآخر سال ۸۳۳ قمری در منطقه ای به نام «درب شهیده» در منطقه حارة الروم السفلی در قاهره مصر بر اثر طاعون ذکر کرده اند.^۵

۴. محمد جعفر بن محمد طاهر کرمانی، خراسانی، اصفهانی (۱۰۸۰-م. احتمالاً ۱۱۷۵ق)

او از علمای امامیه منسوب به کرمان است که در سال ۱۰۸۰ قمری به دنیا آمد. وی از شاگردان محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م. ۱۱۱۰ق) و محمد سراب بن عبدالفتاح تنکابنی اصفهانی بود و به نقل روایت از آن‌ها و محمد بن حسن حرعاملی (م. ۱۱۰۴ق) پرداخته است.

وی در علوم عقلی و نقلی مهارت داشت و به معارف صوفیه مشغول و از جایگاه ارزش مند و والایی برخوردار بود؛ هرچند نقل شده که اقوالی خلاف ظاهر شرع از او صادر شده است. وی از اخباریان شیعه است.

اسماعیل بن محمد حسین خواجه‌جوئی (م. ۱۱۷۳ق) از شاگردان حدیثی او در زمینه رجال و درایه است و محمد بن علی بن عبدالنبی مقابلی بحرانی از وی به نقل روایت پرداخته است.^۶

در تاریخ وفات وی اقوال گوناگونی مطرح شده است، اما ظاهراً وی در سال ۱۱۷۵

۱. معجم المؤلفین، ج ۱۳، ص ۲۳۰.

۲. الأعلام، ج ۸، ص ۱۶۶.

۳. هدیه العارفین، ج ۲، ص ۵۲۷.

۴. معجم المؤلفین، ج ۱۳، ص ۲۳۰.

۵. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، ج ۱۰، ص ۲۶۱.

۶. صاحب کتاب الکلیل المنهج فی تحقیق المطلب او را متولد خراسان دانسته و وجه تسمیه او به «کرمانی» را احتمالاً به خاطر تصحیف «کرباسی» به «کرمانی» دانسته است و درباره او می نویسد: «سَمی بالخراسانی والطوسی لأنه ولد فی "خراسان" الکبیر، ونشأ فیها آنذاك، ووجه تلقی به بالأصفهانی لأنه کان مقيماً بأصبهان و ما حولها سنوات کما سنشیر إليها. وأما وجه تسميته بالکرمانی فما نعلم أنه کان مدّة بکرمان أم لا، والمظنون أنه اشتبهت لفظة الكرباسی بالکرمانی فی بعض المصادر، والمعالم أنه کان یببع الكرباس (نوع من القماش) فی سوق "نیم آورد" بأصبهان»؛ الکلیل المنهج، ص ۷.

۷. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۳۵۸.

قمری پس از یک دوره بیماری دارفانی را وداع گفت و در مقبره قدیمی «جوی هرهرا» یزد دفن گردید.^۱

از جمله آثار اوست: ۱. آداب المتعلمین در کیفیت تحصیل علم؛ ۲. أصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام؛ ۳. أصحاب النبی صلی الله علیه و آله؛ ۴. إکلیل المنهج فی تحقیق المطلب، تعلیق و حاشیه ای بر کتاب منهج المقال از میرزا محمد آسترآبادی؛ ۵. التباشیر فی العارف علی قوائد الصوفیة؛ ۶. حاشیه تهذیب الاحکام؛ ۷. حاشیه علی کفایة المقتصد در فقه از محمد سبزواری؛ ۸. حرمة الغناء؛ ۹. خمسة ضرورية، شامل پنج رساله فارسی که بر اساس موضوعات فقهی: ارث، رضاع، طلاق، قضا و نکاح تألیف شده است؛ ۱۰. حقیقت منی و مَدی و وَدِی و وَدِی؛ ۱۱. رساله ای به فارسی در رضاع؛ ۱۲. شرحی بر کتب اربعه حدیث؛ ۱۳. الصحف الادریسیة؛ ۱۴. فوائد الأخبار للأصدقاء والأخيار؛ ۱۵. قاعدة الجمع بین الأخبار المختلفة؛ ۱۶. گوهر مراد که رساله ای است در اخلاق؛ ۱۷. مدارک المدارک شرحی بر کتاب طهارت از مدارک الاحکام سید محمد عاملی؛ ۱۸. مسائل آیادی صبا که مجموعه ای از پاسخ های استادش علامه مجلسی به پرسش های گوناگون است؛ ۱۹. معادیة، رساله ای فارسی در موضوع معاد؛ ۲۰. المواعظ و الأخلاق؛ ۲۱. نوادر الأخبار.^۲

۵. محمد کریم خان کرمانی قاجار (م. ۱۲۸۸ق)

حاج محمد کریم خان بن ابراهیم خان کرمانی قاجار، از عالمان و رؤسای فرقه شیخیه در قرن سیزدهم است.

از آثار اوست: ۱. فصل الخطاب که روایات آن را از کتب اربعه گرد آورده است^۳، شامل یک مقدمه و سه بخش اصلی (با عناوین: فی علم الحقیقیه، فی علم الطریقه، فی علم الشریعه) و یک خاتمه است؛ ۲. فذلکة المناسک؛ ۳. الفطرة السلیمة^۴؛ ۴. ارشاد العوام در موضوع عقاید^۵؛ ۵. القواعد، مشتمل بر مباحث اصول فقه به شیوه

۱. إکلیل المنهج، ص ۲۷.

۲. رک: همان، ص ۲۱۱۵.

۳. محمد کریم خان کرمانی در فصل الخطاب، احادیث بسیاری را از کتاب الاصول الاصبیه فیض کاشانی نقل کرده است؛ رک: الاصول الاصبیه، ص ۶.

۴. الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۲۹.

۵. ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۶۱؛ موسوعة مؤلفی الامامیه، ص ۳۵۵. وی این کتاب را در سال ۱۳۲۲ قمری، زمانی که در

آخباریه^۱؛ ۶. رجوم الشیاطین^۲؛ ۷. نعیم الأبرار و جحیم الفجار به فارسی در موضوع نبوت و امامت.^۳

ابراهیم بن محمد علی محلاتی شیرازی (م. ۱۳۳۶ق)، از فقهای اصولی امامیه، رساله‌ای در ردّ آرای محمد کریم خان کرمانی نوشته است.^۴

۶. محمدنجف کرمانی (حدود ۱۲۰۰-۱۲۹۲ق)

صاحب *أعیان الشیعه* او را کرمانی الاصل و ساکن مشهد معرفی و از او با تعبیر: «عالم»، «عارف»، «ادیب»، «فاضل»، «محدث» و دارای مشرب اهل عرفان و بر طریق اخباریان یاد کرده است.^۵

وی از فقیهان و محدثان امامیه در قرن سیزدهم است. تاریخ ولادت او را حوالی سال ۱۲۰۰ قمری ذکر کرده‌اند. محمدنجف کرمانی در ایام جوانی برای فراگیری دانش به شهر مشهد مسافرت کرد و در آن جا به تحصیل علوم فقه، اصول، تفسیر، رجال و ریاضیات مشغول شد. حاصل این تلاش و کوشش، کسب مقام و رتبه عالی در این علوم بود. وی در علم آنساب نیز تبحر داشت، تا آن جا که از او با عنوان «نسابه خراسان» یاد شده است.^۶ از جمله ویژگی‌های او را، توجه به ضبط اخبار و شرح حال محدثان و تمایل به مذهب اخباریان دانسته‌اند.

وی سفرهای متعددی به حجاز (برای زیارت خانه خدا) و شهرهای ایران همچون تهران و اصفهان داشت. در این سفرها علاوه بر ملاقات با علما، بر فراز منبر رفته و به وعظ و ارشاد مردم می‌پرداخت. محمدنجف کرمانی در آخر عمر خود با رجعت به شهر مشهد در سال ۱۲۹۲ قمری درگذشت.

از جمله آثار او می‌توان: شرح شرائع الاسلام در زمینه فقه، جامع الاحادیث، کشف الغوامض فی علم الفرائض در موضوع ارث، تنقیح المرام فی علم الکلام، غناء الأدیب

قلعه بم حبس بود، تألیف کرده است. این کتاب در سال ۱۳۶۷ قمری در ۷۴۶ صفحه در کرمان چاپ شده است.

۱. الذریعة، ج ۱۷، ص ۱۷۵.

۲. همان، ج ۲۳، ص ۱۱۵.

۳. همان، ج ۲۴، ص ۲۳۵.

۴. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۱۸.

۵. أعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۷۹.

۶. المجلی فی آنساب الطالبین، ص ۳۷.

فی فهم مغنی اللیبب در زمینه نحو، شرح دعاء کمیل، شرح خطبة اللمة حضرت زهرا علیها السلام، خلاصة الأنساب، خلاصة العروض^۱، الحديقة فی علم القافية^۲ و شرح دعای صباح^۳ را نام برد.

۷. علی اکبر مروّج الاسلام کرمانی (قرن چهاردهم قمری)

«شیخ علی اکبر بن غلام علی مروّج الاسلام کرمانی خراسانی»، فقیه، محدث، ادیب و شاعر پارسی گوی شیعه در قرن چهاردهم هجری که در اشعارش به «شفیق» تخلص می کرد.^۴ وی از شاگردان خاتم المحدثین حاج میرزا حسین نوری طبرسی (م. ۱۳۲۰ ق) است.

سه کتاب به زبان فارسی در زمینه درایة الحدیث از آثار اوست: ۱. هدیه المحدثین که در سال ۱۳۴۸ قمری از تألیف آن فارغ گردید؛ ۲. هدیه المحصلین که در آن به توضیح مباحث مشکل کتاب پیشین پرداخته و مطالبی را نیز بدان افزوده است؛ ۳. تممة المحدث، مجموعه ای منظوم به زبان فارسی که در آن مباحث درایة الحدیث را به شعر درآورده است.^۵ هم چنین کتابی در رجال داشته با عنوان رجال شیخ علی اکبر.^۶ از آثار غیر حدیثی اوست: دفائن اکبری و کشکول مشتمل بر مطالبی از نظم و نثر، شبیه کتاب خزائن نراقی.^۷

فهرست محدثان متأخر کرمان

قرن ششم: ۱. ابن مطلب هبة الله کرمانی / وزیر ابوالمعالی کرمانی (۴۴۰-۵۴۰ ق)؛
 ۲. ابوبکر بردسیری (۴۸۰- م. بعد از ۵۳۷ ق)؛ ۳. ابومحمد بن محمد بن عبدالرزاق کرمانی (احتمالاً متولد ۴۷۰ ق)؛ ۴. سعد بن علی کرمانی (زنده در ۵۸۴ ق)؛ ۵. ابوسعید

۱. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۶۴۲-۶۴۳. در پاورقی کتاب آمده: «در کتاب تاریخ علماء خراسان (ص ۱۱۲، ش ۸۷) از وی به جای «کرمانی» با عنوان «کرمانشاهی» یاد شده است.» شرح حال محمد نجف کرمانی در این کتابها آمده است: تاریخ علماء خراسان، ص ۱۱۲، ش ۸۷؛ ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۲۸۰؛ الفوائد الرضویه، ص ۶۵۴؛ أعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۷۹؛ الذریعة، ج ۴، ص ۴۶۵، ش ۲۰۶۴ و ج ۱۳، ص ۳۳۱، ش ۱۲۱۴.

۲. الذریعة، ج ۶، ص ۳۷۹.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۲۴۸.

۴. تراجم الرجال، ج ۱، ص ۴۰۴.

۵. رسائل فی درایة الحدیث، ج ۱، ص ۹۳.۹۲؛ ونیز رک: الذریعة، ج ۲۵، ص ۲۱۳.

۶. همان، ج ۱۰، ص ۱۳۸.

۷. همان، ج ۸، ص ۲۰۹.

اسماعیل کرمانی / ابن المؤذن (۴۵۲-۵۳۱ق)؛ ۶. أبوزکریا بن عبدالرزاق بن علی کرمانی؛
 ۷. أبوغانم بردسیری (۴۳۹-۵۲۱ق)؛ ۸. أبوالفرج کرمانی جیرفتی (م. ۵۷۱ق)؛
 ۹. أبوالفضل کرمانی (۴۵۷-۵۴۳ق)؛ ۱۰. أبوالقاسم بن محمد بن خالد کرمانی؛
 ۱۱. أبوالمکارم کرمانی (زنده در ۵۶۵ق)؛ ۱۲. أبوالوقت سجزی (۴۵۸-۵۵۳ق)؛ ۱۳.
 إسماعیل بن احمد کرمانی (م. ۵۰۸ق)؛ ۱۴. محمد بن عبدالرشید رکن الدین کرمانی (م.
 ۵۶۵ق)؛ ۱۵. سُعدی سیرجانی (زنده در ۵۳۷ق)؛ ۱۶. عبدالرزاق بن علی بردسیری
 کرمانی (۴۸۰-۵۴۷ق)؛ ۱۷. قاضی شیرازی (م. ۵۲۰ق)؛ ۱۸. عبدالرحمان بن حسن
 کرمانی (متولد ۴۷۶ق)؛ ۱۹. عبدالوهاب بن حسن بن عبدالله کرمانی (۴۸۰-۵۵۹ق)؛ ۲۰.
 قاضی أبوبکر آرزجانی (۴۶۰-۵۴۴ق)؛ ۲۱. محمد بن علی بن نصر کرمانی؛ ۲۲. محمد بن
 محمد بن صالح هاشمی عباس / ابن الهباریه (م. ۵۰۴ق)؛ ۲۳. محمد بن هبة الله
 کرمانی (م. ۵۴۷ق)؛ ۲۴. یحیی بن عبد الرزاق کرمانی؛ ۲۵. یوسف بن احمد شیرازی
 (متولد ۵۲۹ق).

قرن هفتم: ۲۶. عثمان بن عبدالله کرمانی (زنده در ۶۲۱ق)؛ ۲۷. عُمر بن محمد بن
 أبوسعید کرمانی (۵۷۰-۶۶۸ق)؛ ۲۸. محمد بن عابد کرمانی زرنندی (م. بعد از ۶۱۶ق).
 قرن هشتم: ۲۹. احمد بن محمد بن سلمان سیرجانی (۶۹۱-۷۶۵ق)؛ ۳۰. قوام الدین
 کرمانی (م. ۷۴۸ق)؛ ۳۱. محمد بن یوسف کرمانی (۷۱۷-۷۸۶ق).

قرن نهم: ۳۲. ابن الکرمانی یحیی بن محمد (۷۶۲-۸۳۳ق)؛ ۳۳. ابن ملک کرمانی،
 عبداللطیف (م. ۸۰۱ق)؛ ۳۴. ابن ملک کرمانی، محمد بن عبداللطیف (م. ۸۵۴ق)؛
 ۳۵. أبومحمد بن علی کرمانی (م. ۸۹۰ق)؛ ۳۶. احمد بن عثمان بن محمد کرمانی (م.
 ۸۳۵ق)؛ ۳۷. شمس الدین شهر بابکی (متولد حدود ۸۴۸ق).

قرن دوازدهم: ۳۸. حسین بن مؤمن یزدی کرمانی (قرن دوازدهم)؛ ۳۹. سید عالم
 کرمانی (زنده در ۱۱۰۲ق)؛ ۴۰. محمد جعفر بن محمد طاهر کرمانی، خراسانی، اصفهانی
 (۱۰۸۰-م. احتمالاً ۱۱۷۵ق)؛ ۴۱. مولی عوض تستری کرمانی (م. ۱۱۰۰ق).

قرن سیزدهم: ۴۲. محمد کریم خان کرمانی قاجار (م. ۱۲۸۸ق)؛ ۴۳. محمد نجف
 کرمانی (حدود ۱۲۰۰-۱۲۹۲ق).

قرن چهاردهم: ۴۴. شیخ محمد باقر بن محمد اسماعیل یزدی سیرجانی کرمانی (زنده
 در سال ۱۳۱۸ق)؛ ۴۵. علی اکبر مروّج الاسلام کرمانی؛ ۴۶. محمد باقر سیرجانی کرمانی

(م. بعد از ۱۳۶۵ق)؛ ۴۷. میرزا حبیب الله بن فتح علی کرمانی (زنده در سال ۱۳۰۷ق)؛
 ۴۸. نظر علی بن اسماعیل کرمانی واعظ (م. ۱۳۴۸ق).

محدثان منسوب به کرمان که تاریخ حیاتشان یافت نشد

در این بخش، نام دوازده راوی که با جست و جو و بررسی مکرر، اطلاعی از محدوده تاریخی حیات آن‌ها به دست نیامد ذکر می‌شود. این افراد عبارتند از: أبوالوفاء کرمانی^۱، احمد بن حسن ضراب کرمانی، احمد بن حسن کرمانی^۲، احمد بن عبدالواحد کرمانی^۳، اسماعیل بن یحیی بن بحر کرمانی^۴، تمیم بن ابی سعد کرمانی^۵، حبان بن ابراهیم کرمانی^۶، عبدالله بن علی کرمانی^۷، کرمانی هروی^۸، محمد بن عبدالله کرمانی^۹، محمودیه بن محمد کرمانی^{۱۰} و نجیح بن ابراهیم بن محمد کرمانی^{۱۱}.

آثار حدیثی محدثان کرمان

در این بخش، آثار و منابع حدیثی راویان و محدثان کرمان را در پنج حوزه: فقه الحدیث، کتب حدیثی، درایة الحدیث، رجال و منبع شناسی کتب حدیثی به اختصار معرفی می‌کنیم.

الف. فقه الحدیث: شرح روایات و کتب روایی که از شاخه فقه الحدیث به شمار می‌رود، از مهم ترین فعالیت های حدیثی محدثان کرمان بوده است.

۱. کتاب الكواكب الدراری فی شرح صحیح البخاری در چهار جلد، تألیف محمد بن یوسف بن علی، شمس الدین کرمانی (۷۱۷-۷۸۶ق)، از محدثان شافعی قرن هشتم هجری از آن جمله است.^{۱۲} حاجی خلیفه این کتاب را شرحی متوسط و مشهور بر صحیح

۱. بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ج ۴، ص ۱۶۷۹.

۲. معرفة أسامی أرداد النبوی، ج ۱، ص ۳۶.

۳. معجم السفر، ج ۱، ص ۳۲۳.

۴. علل الدارقطنی، ج ۲، ص ۱۰۹.

۵. الأحادیث المختاره، ج ۲، ص ۳۷۷.

۶. معرفة السنن والآثار، ج ۱، ص ۳۸۳.

۷. معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (تفسیر البغوی)، ج ۱، ص ۴۱۹.

۸. تاریخ نيسابور (المنتخب من السياق)، ص ۴۳۹.

۹. الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۴۱۹؛ و نیز رک: تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۹، ص ۴۴۵.

۱۰. الوافی بالوفیات، ج ۱۵، ص ۱۹۹.

۱۱. لسان المیزان، ج ۶، ص ۱۴۹.

۱۲. أبجد العلوم، ج ۱، ص ۵۹۸.

بخاری دانسته است.^۱

۲. شرح الجامع الصحیح اثر ابن کرمانی، تقی الدین یحیی بن محمد سعیدی شافعی (م. ۸۳۳ ق) که شرحی است بر کتاب صحیح مسلم.^۲
 ۳. و نیز مجمع البحرین و جواهر الحبرین، تألیف همین نویسنده. ابن کرمانی در این کتاب به شرح روایات کتاب صحیح بخاری پرداخته است.^۳
 ۴. نوادر الکرمانی، تألیف ملاجعفر کرمانی، از عالمان حدیثی شیعه است. وی در این کتاب به شرح و توضیح احادیث غریب پرداخته است.^۴
 ۵. شرح کتب اربعه حدیثی، تألیف رجالی و محدث امامی قرن دوازدهم محمدجعفر بن محمد طاهر کرمانی (۱۰۸۰-م. احتمالاً ۱۱۷۵ ق).^۵
 ۶. و نیز از اوست کتاب های: فوائد الاخبار؛^۶
 ۷. و کتاب نوادر الاخبار.^۷
 ۸. شرح خطبة اللمة، اثر محمد نجف کرمانی (م. ۱۲۹۲ ق) و نیز از اوست:^۸
 ۹. شرح خطبة الزهراء؛^۹
 ۱۰. شرح دعاء الجوشن الکبیر؛^{۱۰}
 ۱۱. شرح دعاء الکمیل^{۱۱} و شرح دعاء الصباح.^{۱۲}
- ب. کتب حدیث: کتب حدیثی که توسط محدثان کرمان تدوین شده، عمدتاً به گزیده نویسی منابع مهم روایی پیشین اختصاص یافته است. این آثار عبارتند از:
۱. مختصر صحیح مسلم، تألیف تقی الدین بن کرمانی یحیی بن محمد بن یوسف

۱. کشف الظنون، ج ۱، ص ۵۴۶.

۲. هدیة العارفین، ج ۲، ص ۵۲۷.

۳. الأعلام، ج ۸، ص ۱۶۶.

۴. الدرر، ج ۲۴، ص ۳۴۹.

۵. تتمیم أمل الآمل، ص ۹۵.

۶. إکلیل المنهج، ص ۱۹ و ۲۰.

۷. همان، ص ۲۲.

۸. الدرر، ج ۱۳، ص ۲۲۴، ۲۲۱.

۹. عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم ۲، ص ۶۸۹، پاورقی.

۱۰. البلد الامین، ص ۴۰۲.

۱۱. الدرر، ج ۱۳، ص ۲۵۹.

۱۲. همان، ص ۲۲۵.

سعیدی (م. ۸۳۳ق) در جمع آوری احادیث صحیح کتاب صحیح مسلم به صورت مختصر.^۱

۲. فصل الخطاب، تألیف حاج محمد کریم خان بن ابراهیم خان قاجاری کرمانی (م. ۱۲۸۸ق) که به جمع آوری اخبار و روایاتی از کتب اربعه پرداخته است.^۲

۳. جامع الأحادیث، تألیف مولی محمدنجف کرمانی (م. ۱۲۹۲ق) از فقها و محدثان اخباری و عارف مسلک شیعه در قرن سیزدهم هجری.^۳

۴. منتخب الاحادیث، تألیف شیخ ابوالقاسم بن زین العابدین کرمانی، از عالمان شیعه (م. ۱۳۸۹ق). نویسنده، احادیث منتخبی را در زمینه مواعظ و اخلاق، به فارسی ترجمه کرده است.^۴

۵. و توصیف کتاب قرب الاسناد، تألیف محمدباقرزند سیرجانی کرمانی اصفهانی (م. بعد از ۱۳۶۵ق).^۵

ج. درایة الحدیث: در حوزه درایة الحدیث یا اصطلاحات حدیثی می توان از این کتاب ها نام برد:

۱. تعلیقة بدایة الدرایة از محمدباقر سیرجانی کرمانی (م. بعد از ۱۳۶۵ق). این اثر تعلیقه ای بر کتاب بدایة الدرایة شهید ثانی (م. ۹۶۵ق) است.^۶

۲. هدیه المحدثین به زبان فارسی، اثر شیخ علی اکبر بن غلام علی شفیق مروّج الاسلام کرمانی خراسانی از بزرگان قرن چهاردهم هجری.^۷

۳. و هدیه المحصلین که از دیگر آثار مروّج الاسلام کرمانی است.^۸

د. علم رجال: برخی آثار محدثان منسوب به کرمان در این زمینه عبارتند از:

۱. الاعلام، ج ۸، ص ۱۶۷.

۲. الدررعه، ج ۱۶، ص ۲۲۹؛ ونیز رک: ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۱۹۰.

۳. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۶۴۳ ونیز رک: الدررعه، ج ۵، ص ۳۱.

۴. الدررعه، ج ۲۲، ص ۳۶۸.

۵. کتاب قرب الاسناد، تألیف عبدالله بن جعفر حمیری از علمای شیعه قرن سوم هجری، مجموعه ای است که در آن، احادیثی آورده شده که با واسطه کمتری از معصوم نقل شده و سلسله سند کوتاه تری دارند. این کتاب دارای سه بخش: قرب الاسناد عن الامام الصادق علیه السلام، قرب الاسناد عن الامام الکاظم علیه السلام و قرب الاسناد عن الامام الرضا علیه السلام است؛ الدررعه، ج ۱۷، ص ۶۷.

۶. تراجم الرجال، ج ۲، ص ۵۹۴-۵۹۳.

۷. الدررعه، ج ۲۵، ص ۲۱۳.

۸. رسائل فی درایة الحدیث، ج ۱، ص ۹۳.

۱. اکلیل المنهج و تحقیق المطلب، تألیف محمدجعفر بن محمد طاهر کرمانی خراسانی اصفهانی از عالمان حدیثی شیعه (م. ۱۰۸۰ ق).^۱
۲. رجال شیخ علی اکبر، تألیف شیخ علی اکبر بن غلام علی کرمانی خراسانی، مشهور به «مرّج الاسلام»، از عالمان قرن چهاردهم هجری و صاحب کتاب هدیه المحدثین.^۲
۳. مختصر تهذیب الکمال، از احمد بن عثمان بن محمد کرمانی (م. ۸۳۵ ق).^۳
۴. و مسائل حرب، تألیف ابومحمد حرب بن اسماعیل کرمانی (م. ۲۸۰ ق) از شاگردان احمد بن حنبل پیشوای حنابله.^۴ ظاهراً این کتاب، پرسش‌هایی است که حرب کرمانی در موضوعات گوناگون همچون فقه و رجال از احمد بن حنبل پرسیده و آن‌ها را همراه با پاسخ‌های احمد بن حنبل در این کتاب نگاشته است.
۵. منبع‌شناسی کتب و آثار حدیثی: در این زمینه می‌توان به کتاب الفیوضات اللامعة فی حال الکتب الاربعه، اثر محمدباقر بن رضا زند سیرجانی کرمانی از محدثان قرن چهاردهم هجری قمری اشاره کرد.^۵ این کتاب همان‌طور که از نامش برمی‌آید، درباره کتب اربعه حدیثی شیعه (کافی، فقه، تهذیب و استبصار) نگاشته شده است.

نتیجه‌گیری

محدثان منسوب به کرمان از همان سده‌های نخستین حیات اسلام در رشد و شکوفایی حدیث نقش داشتند، چنان‌که در دوره متقدمان (پنج قرن اول) محدثان بسیاری - متجاوز از ۱۰۴ نفر - از این سرزمین به نشر حدیث، همت گماشتند. قرن سوم هجری را با داشتن ۴۵ محدث می‌توان دوران اوج فعالیت محدثان این خطه در طول تاریخ نامید و در مقابل، قرن دهم و یازدهم را دوران افول و رکود فعالیت‌های حدیثی اهالی کرمان برشمرد؛ دو قرنی که نام هیچ محدثی برای آن یافت نشد.

۱. الذریعه، ج ۲۳، ص ۲۲۹.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۱۳۸.

۳. الاعلام، ج ۱، ص ۱۶۷.

۴. تاریخ أسماء الثقات، ص ۱۱.

۵. تراجم الرجال، ج ۲، ص ۵۹۳-۵۹۴.

برخی محدثان کرمانی برای اخذ و سماع حدیث، رنج سفر به شهرها و کشورهای دیگر را بر خود هموار کردند. ثمره این تلاش‌ها پیدایش «رحلات حدیثی» بود. مطالعه زندگی محدثان منسوب به کرمان، حکایت از اهتمام دیرین آن‌ها به رحلات حدیثی و هجرت‌های علمی و تلاش وافر آنان در اخذ میراث ارزشمند و ماندگار حدیث از دورترین نقاط بلاد و مراکز حدیثی و نقل آن به نسل‌های بعدی دارد. آنان برای شنیدن و نقل حدیث، رنج سفر به سرزمین‌هایی همچون حجاز، عراق، مکه، بغداد، مصر، شام، بصره، طرطوس، مصیصه، خراسان و اصفهان را بر خود هموار کرده‌اند؛ تا آن‌جا که برخی همچون ابوعلی کرمانی سیرجانی به «الرحال المحدث»^۱ شهره گردید؛ هم‌چنین ابو عبدالرحمن عبدالله بن محمد بن الربیع الکرمانی را «نزیل المصیصه»^۲، حسن بن احمد بن حبیب کرمانی را «نزیل طرطوس»^۳، ابوسعید عمر کرمانی را «نزیل دمشق»^۴، مؤمل بن اهاب کرمانی را «نزیل الرمله»^۵، محمد بن یحیی کرمانی را «نزیل مکه»^۶ و عبدالرحمان بن محمد کرمانی را «نزیل مرو»^۷ معرفی کرده‌اند؛ تعابیری که از هجرت آنان از موطن اصلی‌شان حکایت دارد. در حالات «ابرهیم بن رستم کرمانی» نیز نوشته‌اند بارها به بغداد سفر کرده و محدثان بغدادی همچون سعید بن سلیمان سعدویه، احمد بن حنبل و زهیر بن حرب به نقل روایت از او پرداخته‌اند.^۸

در دوره متأخران، شاهد کاهش چشم‌گیر حضور محدثان این دیار هستیم. در شش قرن متوالی (قرن ششم تا چهاردهم) تنها نام حدوداً ۴۷ محدث و راوی در منابع یافت شد. از این عده برخی همچون محمد بن یوسف کرمانی (۷۱۷-۷۸۶ق)، ابن الکرمانی یحیی بن محمد (۷۶۲-۸۳۳ق)، محمد کریم خان کرمانی قاجار (م. ۱۲۸۸ق) و محمدنجف کرمانی (حدود ۱۲۰۰-۱۲۹۲ق) صاحب کتاب و

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۱۸۹.

۲. تاریخ الاسلام، ج ۱۶، ص ۲۴۳.

۳. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۹۹.

۴. المعین فی طبقات المحدثین، ج ۱، ص ۲۱۳.

۵. لسان المیزان، ج ۷، ص ۴۰۶.

۶. تاریخ الاسلام، ج ۳۰، ص ۱۶۶.

۷. الانساب، ج ۵، ص ۵۷.

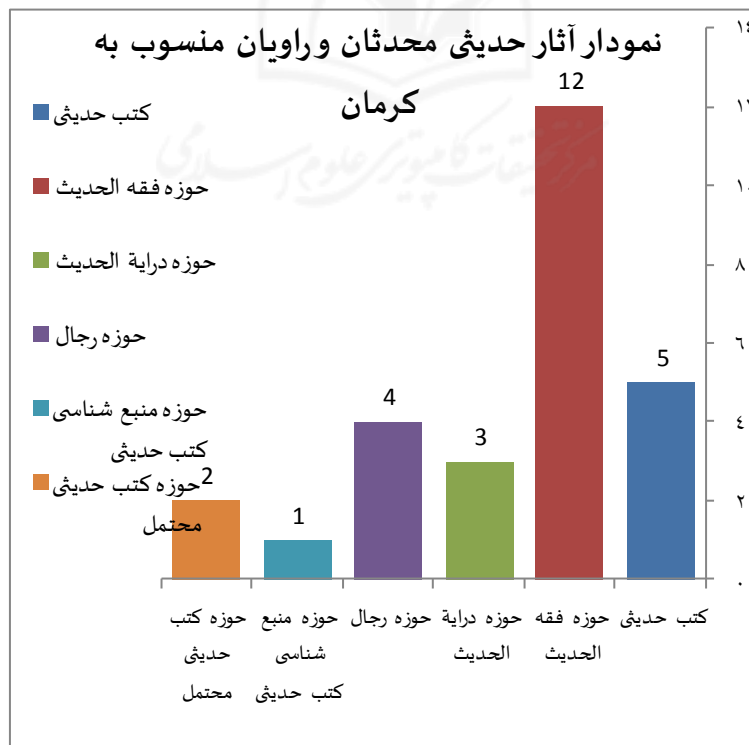
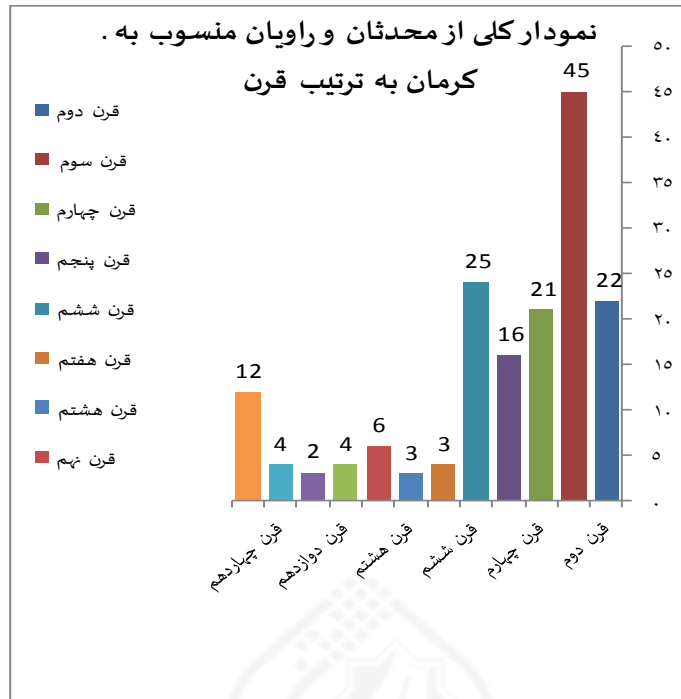
۸. تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۷۱.

تألیف بوده و در موضوعات مختلف حدیثی همچون فقه الحدیث، رجال و... آثاری را پدید آورده‌اند.

از شاخصه‌های دوران متأخر، ظهور محدثانی از شیعه با دیدگاه‌های اخباری است؛ عالمانی همچون: محمد جعفر بن محمد طاهر کرمانی (م. احتمالاً ۱۱۷۵ق)، محمد کریم خان کرمانی قاجار (م. ۱۲۸۸ق) و محمد نجف کرمانی (م. ۱۲۹۲ق). هم‌چنین با ظهور و فعالیت فرقه «شیخیه» در کرمان، برخی فعالان حدیثی از این فرقه برخاسته‌اند؛ مانند محمد کریم خان کرمانی قاجار (م. ۱۲۸۸ق) که از رؤسای فرقه شیخیه در قرن سیزدهم بود.

آثار حدیثی محدثان کرمان در موضوعات گوناگونی همچون کتب حدیثی، فقه الحدیث، درایة الحدیث و رجال شکل گرفته است که از میان شاخه‌های مختلف دانش حدیث، حوزه فقه الحدیث و سپس تدوین کتب حدیثی، بیشترین آثار را در بین محدثان این خطه به خود اختصاص داده است.

به لحاظ فراوانی جغرافیایی از شهرهای استان کرمان پس از مرکز کرمان، شهرهای سیرجان و جیرفت بیشترین محدث را از میان دیگر توابع و شهرهای کرمان به خود اختصاص داده‌اند. شهر سیرجان با حضور محدثانی همچون: حرب بن اسماعیل سیرجانی (م. ۲۸۰ یا ۲۸۸ق)، محمد بن عمار شاماتی سیرجانی (قرن چهارم)، أبوعلی کرمانی، حسن بن محمد سیرجانی (م ۴۹۵ق)، احمد بن محمد سیرجانی (زنده در سال ۴۱۰ق)، حسن بن صوفی سیرجانی (م. ۴۸۲ یا ۴۸۳ق) و محمد بن حسین سیرجانی (قرن پنجم). تاریخ حیات این عده، از گسترش فعالیت‌های حدیثی در دوران متقدم، به خصوص قرن پنجم هجری در شهرستان عالم خیز سیرجان حکایت دارد. شهرستان جیرفت نیز همچون سیرجان، محل پرورش محدثانی چند بوده است که هومزدان جیرفتی (قرن دوم)، اسماعیل بن محمد جیرفتی (قرن چهارم)، علی بن احمد جیرفتی (قرن چهارم)، احمد بن عمر جیرفتی (قرن پنجم)، طلحة بن عبیدالله جیرفتی (قرن پنجم) و ابوالفرج کرمانی جیرفتی (م. ۵۷۱ق) از آن جمله‌اند؛ محدثانی که عمدتاً در دوره متقدمان، به خصوص قرن‌های چهارم و پنجم می‌زیستند.



کتاب نامه

- أبجد العلوم، أبو الطيب محمد صديق خان بن حسن قنوجي، بيروت: دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- أحسن التقاسيم في معرفة الاقاليم، محمد بن احمد كرمي، بيروت: دارصادر، چاپ دوم، بی تا.
- اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)، محمد بن حسن طوسي، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۴ق.
- أعيان الشيعة، سيد محسن امين، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.
- إكليل المنهج في تحقيق المطلب، محمد جعفر بن محمد طاهر خراساني كرباسي، قم: دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
- الأحاديث المختارة أو المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرج به البخاري ومسلم في صحيحيهما، محمد بن عبد الواحد أبو عبد الله مقدسي، بيروت: دار خضر، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
- الإرشاد في معرفة علماء الحديث، أبو يعلى قزويني، رياض: مكتبة الرشد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- الأعلام، خير الدين زركلي، بيروت: دار العلم للملايين، چاپ پنجم، ۱۹۸۰.
- الأنساب، عبد الكريم سمعاني مروزي، بيروت: دار الجنان، ۱۴۰۸ق.
- البلد الامين والدرع الحصين، ابراهيم بن علي عاملي كفعمي، بيروت: مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
- التوحيد، محمد بن علي بن بابويه (شيخ صدوق)، مصحح: سيد هاشم حسيني طهراني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ۱۳۹۸ق.
- الثقات، أبو حاتم محمد بن حبان بستي، بيروت: دار الفكر، چاپ اول، ۱۳۹۵ق.
- الجرح والتعديل، ابن ابي حاتم تميمي رازي، بيروت، دار احياء التراث العربي، چاپ اول، ۱۳۷۱ق.
- الجواهر المضية في طبقات الحنفية، عبد القادر بن محمد بن نصر الله القرشي حنفي و أبو محمد محيي الدين الحنفي، پاکستان: مير محمد كتب خانه، كراتشي (كراچی)، بی تا.
- الخرائج والجرائح، قطب الدين راوندي، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، چاپ اول،

- ۱۴۰۹ق.
- الذریعة الى تصانیف الشیعه، آقابزرگ تهرانی، بیروت: دارالأضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
 - الصحاح، اسماعیل بن حماد جوهری، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول، ۱۳۷۶ق.
 - الضعفاء والمتروکین، احمد بن شعیب نسائی، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
 - الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی، بیروت: منشورات دار مكتبة الحياة، ۱۴۱۲ق.
 - الطبقات الكبرى، محمد بن سعد (ابن سعد)، بیروت: دارصادر، بی تا.
 - الفهرست، محمد بن حسن طوسی، قم: مؤسسة نشر الفقاهاة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
 - الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
 - الکامل فی التاریخ، عزالدین أبوالحسن علی بن ابی‌أثیر، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ق.
 - الکنی والأسماء، مسلم بن حجاج أبوالحسن نیشابوری، مدینه: عمادة البحث العلمی بالجامعة الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
 - الکنی واللقاب، شیخ عباس قمی، تهران: مكتبة الصدر، بی تا.
 - المعجدي فی أنساب الطالبین، علی بن محمد علوی عمری، قم: مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی العامة، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
 - المسالك والممالك، عبدالله بن عبدالعزيز بکری، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۲ق.
 - المعین فی طبقات المحدثین، شمس الدین ابوعبدالله ذهبی، عمان: دارالفرقان، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
 - المفید من معجم الرجال الحدیث، محمد جواهری، قم: العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
 - المقتنی فی سرد الکنی، شمس الدین ابوعبدالله ذهبی، مدینه: ناشر الجامعة الإسلامیه، ۱۰۴۸ق.
 - الوافی بالوفیات، صلاح الدین خلیل بن أبیک صفدی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
 - ایضاح المکنون، اسماعیل پاشا بغدادی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
 - بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
 - بغية الطلب فی تاریخ حلب، عمر بن احمد بن عديم، بیروت: مؤسسة البلاغ، ۱۴۰۸ق.
 - تاج التراجم فی طبقات الحنفية، أبوالفداء ابن قطلوبغا سودونی، دمشق: دارالقلم، چاپ اول،

- ١٤١٣ق.
- تاريخ أسماء الثقات، عمر بن شاهين، تونس: دارالسلفية، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
- تاريخ الاسلام، شمس الدين أبو عبد الله ذهبي، بيروت: دارالكتاب العربي، چاپ اول، ١٤٠٧ق.
- تاريخ الطبري (تاريخ الرسل والملوك)، أبو جعفر محمد بن جرير طبري، بيروت: دارالتراث اسلامي، ١٣٨٧ق.
- تاريخ بغداد، أبو بكر احمد بن علي خطيب بغدادى، بيروت: دارالغرب الإسلامي، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
- تاريخ مدينة دمشق، علي بن حسن بن عساكر، بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ق.
- تاريخ نيسابور (المنتخب من السياق)، عبد الغافر بن اسماعيل فارسي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ١٤٠٣ق.
- تميم أمل الآمل، الشيخ عبد النبي قزويني، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ١٤٠٧ق.
- تذكرة الحفاظ، شمس الدين أبو عبد الله ذهبي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بي تا.
- تراجم الرجال، سيد احمد حسيني، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ١٤١٤ق.
- تفسير الصراط المستقيم، سيد حسين بروجردى، تحقيق: غلامرضا مولانا البروجردى، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول، ١٤١٩ق.
- تقريب التهذيب، احمد بن علي بن حجر عسقلانى، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ دوم، ١٤١٥ق.
- تكملة الإكمال، أبو بكر محمد بن عبد الغنى بغدادى، مكة: جامعة أم القرى، چاپ اول، ١٤١٠ق.
- جامع الرواة، محمد علي اردبيلي، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ١٤٠٣ق.
- حدود العالم من المشرق الى مغرب، ناشناس، قاهره: دارالثقافيه، چاپ اول، ١٤٢٣ق.
- خاتمة المستدرک، ميرزا حسين محدث نوري، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ اول، ١٤١٥ق.
- خلاصة الاقوال، حسن بن يوسف بن مطهر (علامه حلي)، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، چاپ اول، ١٤١٧ق.
- خلاصه عقبات الانوار، سيد حامد نقوي، تهران: مؤسسة البعثة، ١٤٠٥ق.
- رجال ابن غضائري، احمد بن حسين واسطى (ابن غضائري)، قم: دارالحديث، ١٤٢٢ق.

- رجال صحیح مسلم، ابوبکر احمد بن علی بن منجویه اصفهانی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۷ق.
- رسائل فی درایة الحدیث، ابوالفضل حافظیان بابلی، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- سعد السعود، سید بن طاووس، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۳ق.
- سیر اعلام النبلاء، شمس الدین ابوعبدالله ذهبی، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ نهم، ۱۴۱۳ق.
- شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، عبدالحی العکری بن عماد حنبلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- طبقات الحفاظ، عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، بی تا.
- طبقات الشافعیة، ابوبکر بن احمد بن محمد بن عمر بن قاضی شهبة، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- طرائف المقال، سیدعلی بروجردی، قم: مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی العامة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- علل الدارقطنی، علی بن عمر دارالقطنی، ریاض: دار طيبة، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- علی فی کتاب السنة والأدب، حاج حسین شاکری، تهران: مؤلف، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- عوالم العلوم والمعارف والاحوال من الايات والاکخبار والاقوال (مستدرک سیدة النساء الی الامام الجواد علیه السلام)، عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، قم، مؤسسة الامام المهدي علیه السلام، ۱۴۱۳ق.
- فرهنگ نامه تطبیقی نام های قدیم و جدید مکان های جغرافیای ایران و نواحی مجاور، علیرضا پژوهش (چکنگی)، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
- فرهنگ نامه رجال علمی و مشاهیر فرهنگی کرمان از آغاز اسلام تا پایان عصر قاجاریه، رضا کردی، کرمان: معراج، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- فهرست اسماء مصنفی الشیعة (رجال النجاشی)، احمد بن علی بن احمد (نجاشی)، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
- قاموس الرجال، شیخ محمدتقی تستری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

- كشف الظنون، مصطفى بن عبدالله حاجي خليفه، بيروت: دار إحياء التراث العربي،
بي تا.
- لسان الميزان، احمد بن علي بن حجر عسقلاني، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات،
چاپ سوم، ١٤٠٦ق.
- لغت نامه دهخدا، علي اكبر دهخدا، بي جا، بي نا، بي تا.
- معالم التنزيل في تفسير القرآن (تفسير البغوي)، بغوي، بيروت: دارالمعرفة، بي تا.
- معالم العلماء، ابن شهر آشوب، بي جا، بي نا، بي تا.
- معجم الأدباء أو إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب، ياقوت بن عبدالله الرومي حموي، بيروت:
دارالكتب العلميه، ١٤١١ق.
- معجم البلدان، شهاب الدين ياقوت حموي، بيروت: دار صادر، چاپ دوم، ١٩٩٥.
- معجم السفر، ابوظاهر احمد بن محمد بن احمد سلفي، مكه: المكتبة التجارية، بي تا.
- معجم المؤلفين، عمر كحاله، بيروت: مكتبة المثنى، بي تا.
- معجم رجال الحديث، سيد ابوالقاسم خوئي، بي جا، العلميه، چاپ پنجم، ١٤١٣ق.
- معرفة أسامي أرواف النبي، ابوزكريا يحيى بن عبد الوهاب بن منده، بيروت: المدينة
للتوزيع، ١٤١٠ق.
- معرفة السنن والآثار، احمد بن الحسين بيهقي، بيروت: دارالكتب العلمية، بي تا.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن بابويه (شيخ صدوق)، قم: دفتر انتشارات اسلامي
وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم، ١٤١٣ق.
- موسوعة طبقات الفقهاء، اللجنة العلمية في مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، قم: مؤسسة الإمام
الصادق عليه السلام، چاپ اول، ١٤١٩ق.
- موسوعة طبقات الفقهاء، شيخ جعفر سبحاني، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٤١٨ق.
- نقش ایرانیان در تدوين و نشر حديث، فاطمه سادات تهامي، تهران: سوره مهر، چاپ اول،
١٣٨٠.
- هدية العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، اسماعيل بن محمد أمين بغدادی، استانبول:
طبع بعناية وكالة المعارف الجليلية في مطبعتها البهية، ١٩٥١ق.
- وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ١٤١٤ق.